

قصه ایگرن با افسانه‌های قدیمی تفاوت‌هایی هم دارد، مثلاً اینکه این دختر نوجوان قهرمان داستان است و شاهزاده‌ای برای خوشبخت کردن او سر نمی‌رسد



بچه‌ها روی ابرها

کودکان همواره در حال خیالپردازی هستند اما چه زمانی می‌توان برای آنها کتاب تخیلی خواند؟

زهرا بزرگ‌زاده
نویسنده



می‌دانیم که شخصیت اکثر کتاب‌های کودکان، حیوانات یا اشیاء هستند، علت این امر آن است که کودکان در حین شنیدن داستانی باید بتوانند بگویند: بله! این من هستم! درست مثل من!

حالا که بحث کتاب‌های فانتزی داغ است بهتر است در این نوشتار هم سعی کنیم به کتاب‌های تخیلی برای کودکان بپردازیم. برای معرفی کتاب خیالی برای کودکان و یا خواندن کتاب و پخش کردن انیمیشن‌های خیالپردازی برای آنها همواره این نگرانی وجود دارد که مبادا کودکمان آنچه در کتاب یا انیمیشن را می‌بیند باور کند و آن را به عنوان شخصیتی واقعی، وارد دنیایش کند و خطرناک‌تر آنکه آن موجود خیالی، ترسناک شود و خواب آرام را از شب‌های کودکمان بگیرد. در نتیجه بهتر است در ابتدا به سؤالی اساسی پاسخ دهیم: کودکان در چه سنی مرز واقعیت و خیال را تشخیص می‌دهند؟

پژوهش‌های روانشناسی نشان می‌دهد مغز کودکان از سن ۳ تا ۵ سالگی شروع به تشخیص واقعیت از خیال می‌کند. طبیعتاً آنها ابتدا خیالی بودن آن چیزهایی را تشخیص می‌دهند که فاصله زیادی با واقعیت دارند و این قوا بتدریج تا پنج سالگی بهبود می‌یابد و در نهایت در این سن، در جان‌بخشی به اشیاء هم شک می‌کنند و می‌توانند بفهمند که حیوانات حرف نمی‌زنند و خرس‌ها هم که پیش از این مهربان به نظر می‌رسیدند و غذایشان عسل بود، ممکن است آدم‌ها را هم بخورند.

اکنون باید به این سؤال نیز پاسخ دهیم که با توجه به قدرت تشخیص واقعیت از خیال در کودکان از چه سنی می‌توان برای آنها کتاب تخیلی خواند؟ می‌دانیم که شخصیت اکثر کتاب‌های کودکان، حیوانات یا اشیاء هستند، علت این امر آن است که کودک در حین شنیدن داستانی باید بتواند بگوید: بله! این من هستم! درست مثل من! و حیوانات چون جنسیت، رنگ پوست، نژاد و دیگر تفاوت‌ها را ندارند، در داستان، شباهت بیشتری با کودک دارند و در نتیجه راحت‌تر می‌توانند آنها را بپذیرند. از این رو نمی‌توان کتاب‌هایی را که شخصیت حیوانی یا شیء‌ای دارند، تخیلی دانست. هرچند که کودک پنج ساله کم‌کم ممکن است معج این داستان‌ها را بگیرد و مثلاً وسط داستان بگوید: اما لاک‌پشت‌ها که مدرسه نمی‌روند!

حال پس از مشخص کردن این مسأله، در پاسخ باید گفت بهتر است کتاب‌های تخیلی بعد از سنین چهار سال برای کودکان خوانده شود تا داستان‌های خیالی و شدیداً غیرواقعی، ذهن کودک را برای مدت طولانی درگیر نکنند، برایش ترسناک نباشد و بتواند با او در مورد مفاهیم ضمنی داستان صحبت کرد. اگر داستانی که عمیقاً خیالی باشد برای کودکان زیر سه سال خوانده شود ممکن است آن قدر در مورد طواهر داستان سؤال بپرسند که به مقصود اصلی آن نرسند! (هشدار! داستان تخیلی یا داستان‌های انتزاعی یا ماورایی وضع مشابهی ندارند و یکسان نیستند!)

ماجراجویی در روز تولد دوازده سالگی

شوالیه‌ای به نام ایگرن

معصومه فراهانی
آموزگار

در روزگاری که دیزنی هنوز انیمیشن‌هایی می‌ساخت که دختران جوانش برای خوشبخت شدن در انتظار شاهزاده رؤیاهایشان بودند، در روزگاری که ساختن انیمیشن با موضوع دختران نوجوانی که به تنهایی از پس مشکلات‌شان برمی‌آیند مد نشده بود، کورنلیا فونکه داستان «ایگرن شجاع» را خلق کرد.

ایگرن به همراه خانواده‌اش در یک قلعه سحرآمیز و قدیمی، به اسم «بیبزل» زندگی می‌کند. این قلعه پر از کتاب‌های جادویی است. مادر، پدر و برادر ایگرن جادوگران بسیار ماهری هستند اما ایگرن علاقه زیادی به جادوگری ندارد و ساده‌ترین وردها را هم فراموش می‌کند. او از زندگی تکراری‌اش در این قلعه خسته است و دلش می‌خواهد یک شوالیه ماجراجو شود.

جشن تولد دوازده سالگی ایگرن نزدیک است و همه اعضای خانواده دارند برای او یک هدیه جادویی می‌سازند و حسابی سرشان شلوغ است. ایگرن بیشتر از همیشه حوصله‌اش سر رفته است و قلعه را برای خودش متر می‌کند که ناگهان پیکی به سمت قلعه‌شان می‌آید و می‌گوید جادوگر بدجنسی به نام اسموند دارد به سمت قلعه آنها لشکرکشی می‌کند و قصد دارد کتاب‌های سحرآمیزشان را به چنگ بیاورد.

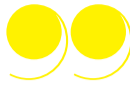
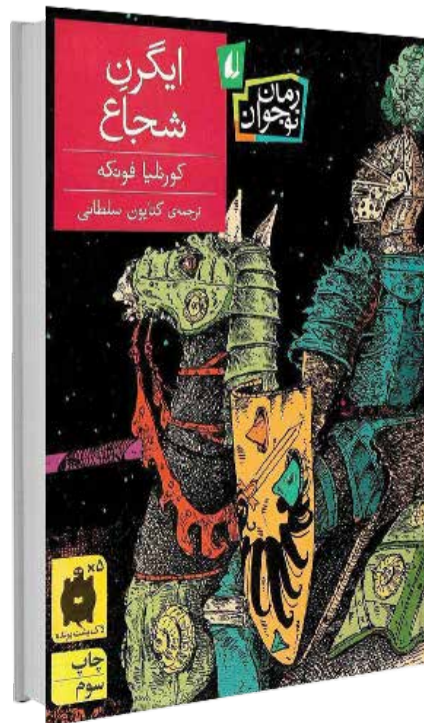
مادر و پدر ایگرن چون خود را جادوگران توانمندی می‌بینند خطر را جدی نمی‌گیرند و به ساخت هدیه تولد دخترشان ادامه می‌دهند ولی در این میان یکی از وردها را اشتباه می‌خوانند و تبدیل به دو بچه فیل می‌شوند و در این حالت نمی‌توانند جادو کنند. آنها برای برگشتن به حالت انسانی‌شان به موی یک گول نیاز دارند که فاصله زیادی از قلعه دارد.

اسموند بدجنس موقعیت را فراهم می‌بیند تا به قلعه حمله کند، این می‌شود که برادر آلبرت در قلعه می‌ماند تا با دانش جادوگری خود از آن محافظت کند و ایگرن در روز تولدش به ماجراجویی بزرگی برای آوردن موی گول فراخوانده می‌شود.

اگر از قصه‌های افسانه مانند که پر از جادو و غول و شوالیه هستند خوشتان می‌آید، ایگرن شجاع را دوست خواهید داشت، البته که قصه ایگرن با افسانه‌های قدیمی تفاوت‌هایی هم دارد، مثلاً اینکه این دختر نوجوان قهرمان داستان است و شاهزاده‌ای برای خوشبخت کردن او سر نمی‌رسد.

یکی از نقاط قوت کتاب، نقش پررنگ خانواده در پیشبرد داستان است. رابطه خوب مادر و پدر با فرزندان و رابطه یاورانه و همراه با شیطنت ایگرن و برادرش بسیار روشن به تصویر کشیده شده است.

در این کتاب هم شبیه بسیاری از کتاب‌های فونکه، «کتاب‌ها» از داستان جدا نشدنی هستند؛ کتاب‌هایی که برای ما ماجرا می‌آفرینند و ما را بزرگ می‌کنند.



کتاب‌ها زندگی کنیم؟



هزارتوی پن

هزارتوی «پن» داستانی است که کورنلیا فونکه به همراه گیمو دل تورو فیلم سینمایی هزارتوی پن را به صورت رمانی فانتزی و علمی تخیلی درآوردند. داستان کتاب از شروع خواننده را درگیر داستان‌ها و شخصیت‌هایی می‌کند که نمی‌توان آنها را فراموش کرد. در انتهای کتاب شما جواب تمام معماها را پیدا می‌کنید. این کتاب شما را وارد داستانی شوم همراه با جادوی سیاه می‌کند.

اژدهاسوار

اژدهاسوار داستان پسری به نام «بن» و اژدهایی به نام «فایردریک» است که به دنبال سرزمینی می‌روند که در آن اژدهایان با صلح و آرامش زندگی می‌کنند. مشکلات زیادی سر راه این دو دوست است، اما آنها با یکدیگر از آنها گذر می‌کنند تا به جایی که آرزوی خود را دارند برسند.

شخصیت مورد علاقه کورنلیا فونکه کیست؟

طبق یکی از مصاحبه‌های کورنلیا فونکه شخصیت مورد علاقه او در این سه‌گانه گردانگشت است. از نظر او این شخصیت آن قدر خوب پرداخته و نوشته شده است که نمی‌توان آن را دوست نداشت. علاوه بر آن خانم فونکه فکر می‌کند گردانگشت شخصیتی است که جنبه‌های مختلفی دارد. این شخصیت هم خودخواه است هم مهربان، هم عاشق است هم نفرت در دلش جای دارد. این شخصیت واقعاً کامل است.